



حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی

دکتر مصطفی حسینی^۱

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا

همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱ آبان‌ماه ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۵ آذرماه ۱۳۹۷)

کتاب حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی به قلم پرفسور دیک دیویس اثر ارزشمندی در حوزه شاهنامه‌پژوهی است. این کتاب دارای پیش‌گفتاری مفصل، مقدمه‌ای مختصر و چهار فصل است. چنان‌که از مقدمه کتاب دانسته می‌شود این کتاب در اصل برای مخاطب غیرایرانی نوشته شده است. غرض نخست از نگارش این کتاب کوشش برای تعدیل باوری عمومی درباره حماسه بزرگ پارسی است. غرض دیگر آن است که دیدگاه منفی براونی درباره شاهنامه در غرب را تصحیح کند، زیرا چنین دیدگاهی سبب شده نوعی بی‌میلی به برابر نهادن شاهنامه با آثار بزرگ کلاسیک به وجود آید. افزون بر این‌ها، دیویس می‌خواهد انتقادهای فن‌گرونیام، که شاهنامه را تا سطح اثری صرفاً منظوم و ملال‌انگیز فرومی‌کاهد، رد و پاسخ دهد. دیویس در فصل پایانی کتاب از چشم غربی به خطبه آغازین داستان بیژن و منیژه می‌نگرد و برخی از نکته‌های مغفول‌مانده این داستان را برجسته می‌کند.

کلیدواژه‌ها: دیویس، شاهنامه، براون، گرونیام، حماسه و نافرمانی.
پژوهش‌های نوین در مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب *حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی* (۱۳۹۶) به قلم پرفسور دیک دیویس اثر ارزشمند و نکته‌آموزی در حوزه شاهنامه‌پژوهی است. دیویس، مترجم بلندآوازه و خستگی‌ناپذیر فارسی به انگلیسی، از ایران‌شناسان نامدار و برجسته هم‌روزگار ماست. او با زبان، ادبیات، و فرهنگ پارسی به خوبی آشناست. دیویس هشت سال، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸، در ایران زیسته و پست و بلند فرهنگ ایرانی را از نزدیک لمس کرده است. او در زمان اقامتش در ایران با *شاهنامه* آشنا شد و تنها بخش کوچکی از این کتاب را خواند، اما پس از ترک ایران به مقصد زادگاهش، انگلستان، مطالعه نظام‌مند این کتاب را آغاز کرد. دیویس این اثر سترگ را با تأنی و تأمل بسیار خواند و بسیار درباره آن اندیشید تا حدی که قسمت بسیار مهمی از حیات ذهنی او شد (دیویس، ۷). به گفته خودش «من کم و بیش نه سال با این اثر زندگی کرده‌ام و در این مدت به تدریج روزهایی پیش می‌آمد، قطعاً هیچگاه یک هفته کامل نبوده است، که آن را نخوانده باشم، یا درباره بخش‌هایی از آن فکر نکرده باشم» (دیویس، ۲۱).

دیویس در سال ۱۹۸۸ دکترایش را در ادبیات کلاسیک پارسی از دانشگاه منچستر دریافت کرد. موضوع رساله او «تضاد پدر- پسر و پادشاه - رعیت در شاهنامه» بود. او بعدها این رساله را، البته با افزودن و کاست‌هایی، در قالب کتاب حاضر با عنوان *حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی*^۱ در سال ۱۹۹۲ منتشر کرد. سهراب طلاوسی در سال ۱۳۹۶ این کتاب را به فارسی ترجمه کرد. گفتنی است که دیویس در همین سال، ۱۹۹۲، *داستان سیاوش*^۲ را به شعر سپید انگلیسی ترجمه کرد. دیویس چند سال بعد *شاهنامه* را (به آمیزه‌ای از نظم و نثر) ترجمه کرد. ترجمه این اثر شش سال، از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴، طول کشید. وی در فاصله این سال‌ها *شاهنامه* را زیر عناوین *شیر و سریر*^۳ (۱۹۹۸)، *پدران و پسران*^۴ (۲۰۰۰)، و *غروب امپراتوری*^۵ (۲۰۰۴) روانه بازار کرد. سپس انتشارات وایکینگ (سال ۲۰۰۶) و پنگوئن (سال ۲۰۰۷) و بازچاپ (۲۰۱۶) آن را در یک جلد زیر عنوان *شاهنامه: کتاب شاهان پارس*^۶ منتشر کردند. بر این‌ها، باید سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و نگارش مقالاتی درباره *شاهنامه* و فردوسی و مشکلات ترجمه شعر او را نیز افزود.

دنیای انگلیسی‌زبان در اواخر قرن هجده از رهگذر سر ویلیام جونز با *شاهنامه* فردوسی آشنا شد. جونز این اثر را معرفی و بخش‌هایی از آن را ترجمه کرد. از آن زمان به بعد، این اثر سترگ در قالب ترجمه و اقتباس، کم و بیش، در دنیای انگلیسی‌زبان حضور داشته است. با این همه، شاید بتوان گفت که *شاهنامه* در دنیای انگلیسی‌زبان قدرنادرده باقی مانده است، یعنی چنان‌که باید و شاید رواج و گسترش نیافته است. به گفته دیویس این امر معلول چند علت است. یکی، کمبود ترجمه‌های قابل از *شاهنامه* است. گفتنی است که اغلب ترجمه‌های *شاهنامه* نادقیق و بعضاً ناخوانا هستند (دیویس، ۱۷). دیگر این‌که *شاهنامه* بسیار حجیم است و ژانر حماسه به معنای متعارف کلمه در زبان انگلیسی وجود

¹ *Epic and Sedition: The Case of Ferdowsi's Shahnameh*

² *The Legend of Seyavash*

³ *The Lion and the Throne*

⁴ *Fathers and Sons*

⁵ *Sunset of Empire*

⁶ *The Persian Book of Kings*

ندارد؛ نزدیک‌ترین نمونه انگلیسی به ژانر حماسه بیرولف^۱ است، که آن هم به زبان انگلوساکسن است، نه انگلیسی، و تنها بخشی از آن حماسی است، نه نمونه‌ای تمام‌عیار از این نوع ادبی. در زبان انگلیسی حماسه واقعی بهیست گمشده اثر جان میلتن^۲ است، که حماسه‌ای است مذهبی، نه عرفی، اگرچه صحنه‌های نبرد فرشتگان در آن به تقلید از آثار حماسی هومر و ویرژیل سروده شده است. از این رو، خواننده عقبه ذهنی مناسب برای پرداختن به این نوع ادبی را ندارد. بر این‌ها باید، بیگانگی غربیان با سنت‌های ادبی و فرهنگی پارسی را نیز افزود.

حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی دارای پیش‌گفتاری مفصل، مقدمه‌ای مختصر و چهار فصل با عناوین «آیا نافرمانی هست...؟»، «شاه و زیردست»، «پدر و پسر» و «در چاه افراسیاب» است. چنان‌که از مقدمه کتاب دانسته می‌شود این کتاب در اصل برای مخاطب غیرایرانی نوشته شده است. به گفته دیویس غرض نخست از نگارش «این کتاب بیش از هر چیز کوششی است برای تعدیل باوری عمومی درباره این‌که حماسه بزرگ فارسی، شاهنامه فردوسی، از چه سخن می‌گوید» (دیویس، ۱۷). مراد از این «باور عمومی» پنداشتن شاهنامه به منزله کتابی مطلقاً در ستایش پادشاهی و پادشاهان است. به گفته دیویس درست است که فردوسی اطاعت از پدر یا پادشاه را امری مطاع می‌داند، اما هرگاه پدران یا پادشاهان بر فرزندان یا زیردستان خود — مانند پدر در «داستان رستم و سهراب» و پادشاه در «داستان کاووس و سیاوش» — ستم و بیدادی روا می‌دارند زبان به اعتراض می‌گشاید. به دیگر سخن، در تضاد پدر - پسر و پادشاه - رعیت فردوسی طرف پسر و رعیت را می‌گیرد. به علاوه، سیر حوادث داستان طوری پیش می‌رود که خواننده از ستم و بیداد پدر یا پادشاه به خشم می‌آید و در نهایت با پسر یا رعیت همدلی می‌کند. به گفته دیویس درست است که «شاهنامه اساساً درباره پادشاهی است، اما در باب پادشاهی بودن با ستایش بی‌چون و چرای پادشاهی کاملاً متفاوت است» (دیویس، ۲۱).

غرض دیگر این است که «تا جایی که می‌توانم این دیدگاه [منفی] براونی [درباره شاهنامه] در غرب را تصحیح کنم» (دیویس، ۲۳). پرفسور ادوارد براون اعتقاد داشت که شاهنامه کاستی‌های مسلم و مشخصی مانند حجم طولانی و نامتعارف، وزن یکنواخت و ملال‌آور، و تشبیهات تکراری و خسته‌کننده دارد: «این احساس برایم اجتناب‌ناپذیر است که شاهنامه کاستی‌های مسلم و مشخصی دارد. طولانی بودن غیرمتعارف، البته لاجرم برخاسته از گستردگی موضوع است ... و یکنواختی وزن هم نقطه مشترک شاهنامه یا بیشتر، اگرچه نه همه، حماسه‌های دیگر است. اما به نظر من تشبیه‌های به کار رفته هم به شکل غیرضروری یکنواخت است» (دیویس، ۵۲). بنابراین چنین دیدگاهی از سوی ایران‌شناسی بزرگ مانند براون «سبب شده نوعی بی‌میلی به برابر نهادن شاهنامه با آثار بزرگ کلاسیک به وجود آید و غربی‌ها همواره با این پیش‌زمینه ذهنی به سراغ کتاب بروند» (دیویس، ۲۲). به نظر او شاهنامه را باید به تدریج و در قطعات کوتاه خواند و تکرار برخی بن‌مایه‌ها و تشبیهات نباید موجب شود که این اثر را نادیده بگیریم. به علاوه، واحد معنای حماسه «مصراع یا بند نیست، بلکه یک داستان خاص

¹ *Beowulf*

² John Milton's *Paradise Lost*

است» (دیویس، ۶-۷).

افزون بر این، دیویس می‌خواهد انتقادهای فون گرونباوم^۱، که *شاهنامه* را تا سطح اثری صرفاً منظوم و ملال‌انگیز فرومی‌کاهد، ردّ و پاسخ دهد (دیویس، ۱۴). به باور گرونباوم، *شاهنامه* اثری است که به دنیای درونی پهلوانان بی‌توجه است و تنها به توصیف نبردها در آوردگاه‌ها می‌پردازد. «فردوسی بین دانشجویان امروزی تاریخ تنهاست، از این نظر که آشکارا توانایی استخراج ایده‌های کلی از پردازش‌های استادانه‌ای را که خود ارائه می‌دهد ندارد ... کشمکش میان سلسلهٔ رخدادها و کشمکش فرد برای فهمیدن ارزش‌های حاکم بر هستی‌اش، یا نبرد بین قانون و وجدان، بین آزادی و ضرورت، که جوهرهٔ تراژدی است، در اثر فردوسی دیده نمی‌شود» (دیویس، ۵۳). دیویس نشان داده که گرونباوم بر خطاست و فردوسی به هیچ وجه از دروئیات و کشمکش‌های پهلوانان‌اش غافل نیست. او داستان سیاوش و نبرد رستم و سهراب را شاهد مثال می‌آورد و نشان می‌دهد که حکیم طوس بر باریک‌ترین احوالات درونی و کشمکش‌های ریز و درشت پهلوانان‌اش نیک آگاه است. به گفتهٔ او «بزرگی واقعی *شاهنامه* در پیچیدگی‌های داستان حماسی، در توصیف دروئیات و نگرانی‌های پهلوانان، و در به چالش کشیدن ارزش‌های به ظاهر سطحی آن است و نه ستایش از آن‌ها که به باور من بزرگی *شاهنامه* مرهون آن است» (دیویس، ۲۸).

و اما یک پرسش جدی دربارهٔ فردوسی و اثر کوه‌پیکرش: آیا فردوسی ناظمی است امین یا شاعری آفریننده؟ به نظر دیویس پاسخ این پرسش بله یا خیر نیست و منتقدان عموماً در این باب راه افراط را پیموده‌اند. شایان ذکر است که فردوسی به هردو هنر امانت و آفرینندگی آراسته بوده و در جاهای مختلف کتابش به مقتضای مقام سخن گفته و دخل و تصرفاتی استادانه و هنرمندانه نموده است. فی‌المثل، آن‌جا که پای اطلاعات خشک تاریخی در میان است او ناظمی امین است و آن‌جا که سخن بر سر عواطف و احساسات انسانی است هنر آفرینندگی او مشهود است. به طور کلی، دخل و تصرفات فردوسی در نیمهٔ نخست *شاهنامه* در سنجه با بخش دوم بیشتر است، زیرا در بخش نخست غلبه با داستان است تا تاریخ.

دیویس در فصل پایانی کتاب از چشم غربی به خطبهٔ آغازین داستان بیژن و منبّه می‌نگرد و برخی از نکته‌های مغفول‌ماندهٔ این داستان را برجسته می‌کند. درست است که دکتر اسلامی ندوشن پیش‌تر به خطبهٔ آغازین این داستان نگاهی نمادین داشته، اما برخورد دیویس از لونی دیگر است. «در واقع، خطبهٔ داستان و مهم‌ترین اتفاق آن وضعیت مشابهی دارند؛ در هر مورد با مرد وحشت‌زده و دردمندی مواجهیم که معشوقهٔ وفادارش او را تیمار می‌کند؛ در هر دو مورد مرد در تاریکی (باغ شاعر، چاهی که بیژن را در آن افکنده‌اند) است، و زن اسباب آسایش او را فراهم می‌کند (داستان برای شاعر، انگشتری رستم که برای بیژن نجات‌نهایی از چاه را وعده می‌کند). شباهت دیگر پیام مشترک چراغی است که همراه شاعر می‌آورد؛ یکی آن‌که تاریکی اهرمن را می‌افروزد، و دیگر آن‌که منبّه‌اش می‌افروزد تا رستم را به سوی بیژن رهنمون شود؛ هر دو نویدبخش رهایی از تاریکی‌اند. از نظر بلاغی، «بت مهربان» به

^۱ Von Grunebaum

تعبیر غریبان همان میوز (الهه شعر) است - ابزاری که واسطه الهام شعر، که شامل داستانی از گذشته افسانه‌ای ایران است، به شاعر است؛ او آمیزه‌ای از کلیو و کالیوپه است. جانمایه داستانی که او به شاعر می‌دهد وفاداری است، همان‌که شاعر را وامی‌دارد تا در بیان وفاداری به گذشته، به سرایش این اثر شگرف اهتمام ورزد» (دیویس، ۱۷۰).

حماسه و نافرمانی مانند هر اثر پژوهشی خالی از اشکال نیست. دیویس برای نگارش کتاب حاضر منحصراً از شاهنامه چاپ مسکو استفاده کرده است. این نسخه مانند بسیاری از نسخه‌های موجود شاهنامه آکنده است از ابیات و صحنه‌های الحاقی، از این رو می‌تواند در مواردی گمراه‌کننده باشد. بی‌تردید تنها بر اساس تصحیح معتبری از شاهنامه می‌توان به داوروی یا نتیجه درستی درباره اغراض شاعر دست یافت. افزون بر این، دیویس در مواردی دچار بدخوانی شده و بیت را غلط ترجمه کرده است، مانند بیت صفحه ۳۵. ناگفته نماند که سهوهایی از این دست به هیچ وجه از اهمیت آرای منطقی و نگاه‌های نوآورانه دیویس نمی‌کاهد. در مجموع، حماسه و نافرمانی کتابی است سخت خواندنی و نکته‌آموز. بی‌هیچ گمان، این اثر را باید یکی از بهترین کتاب‌هایی دانست که در سالیان اخیر درباره شاهنامه به زبان انگلیسی نوشته شده است.

References

منابع

- دیوکی دیویس (۱۳۹۶) حماسه و نافرمانی؛ بررسی شاهنامه فردوسی، ترجمه سهراب طلاوسی، تهران، انتشارات ققنوس. ۲۵۶ ص.
- Davis, D. (2006). *Epic and Sediton: The Case of Ferdowsi's Shahnameh*, Mage Publishers, 2016, 256 p.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



A book review on *The Epic and Sedition: The case of Ferdowsi's Shahnameh*

Mostafa Hoseini¹

Assistant Professor of English Language and Literature Department,
Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

(Received: 23 October 2018; Accepted: 06 December 2018)

The Epic and Sedition: The case of Ferdowsi's Shahnameh by Dick Davis is a scholarly book on Shahnameh-scholarship. It consists of a long prologue, a brief introduction, and four chapters. As it is known from the prologue, the book has been written for the Western reader. The primary aim of the book is to adjust the popular perception of what the great Persian epic is about. The second purpose is to correct the negative judgment, i.e. Edward Browne's dislike of the work. According to Davis, it is the prime cause for the Western reluctance to grant the work the status of a major literary classic work. In addition, Davis tries to reject Grunebaum's idea that says the poem is a product of a rather naïve and primitive talent. The last chapter is about the story of Bizhan and Manizheh under Western eyes.

Keywords: Davis, Shahnameh, Grunebaum, Browne, Epic and Sedition

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ E-mail: hosseiny.mostafa1352@gmail.com